

8/15/2020 تاریخ



..شماره

مدیریت نامه (management letter)

..پیوست

Philosophy of management systems in future in the world



Mahmoud saneipour

فلسفه سیستم های مدیریت آینده جهان- قسمت سوم

دلایلی وجود دارد که ما باید برای تهیه و فعال کردن پلتفرم "قواعد مدیریت دانش مفید (useful knowledge rules management-UKRM) (knowledge rules management) اصرار ورزیده و شتاب بیشتری مبذول نماییم، تا کنون توانسته ام در رابطه با مدل (UKRM)، حدود یک میلیون صفحه مضمون، متن و محتوا برای داده پردازای تهیه کنم و 300 مقاله و 10 کتاب، چندین رساله، چندین مدیریت نامه، جدول فراوان و مطالب لازم را بر این طرح تهیه نموده و برخی از آنها را منتشر نموده ام، در این رابطه، پس از تنظیم دکترینال و راهبردهای آن به تنظیم بالغ بر 5000 صفحه برای قواعد این مدل پرداخته که همگی آنها با مثلث های شکست کار تجزیه شده که ظرفیت لازم برای بروز و آشکار سازی، داده های مورد نیاز را مشخص میکند، بدیهی است آنچه بلحاظ نظری برای ایجاد یک سیستم جامع رهبری و مدیریتی جهان لازم است تا کنون با مساعی شبانه و روزی من در 30 سال اخیر تدوین شده و اینک وارد شالوده ها و بنیان های دقیقی از سیستم مورد نیاز آینده شدم که منبعث از دکترینال این مدل است، دکترینال سیستماتیک این مدیریت بر اساس دانش مفید و بهره گیری از متافیزیک بنیادین آن بوده و راهبردها بر اساس جریانات طیفی غیر فیزیکی و بنیان هائی است که این راهبرد را یقینی و پشتیبانی میکند.

The philosophy of future management's systems in the world-third part

There are reasons, to prepare and activate the platform of "useful knowledge rules management-UKRM" must be insisting and exercising more, I have been able so far to prepare about one million themed pages texts and content for data processing in relation to the model of UKRM and 300 articles, 10 books, many discourses and management letters, some tables and necessary content in this plan and I have

issued some of them, in this regard, after setting the doctrinal and its guidelines, I payed attention to adjust to 5000 pages for this plan those all I have analyzed by work breaks down method for necessary capacity for updating and disclosure its data's , obviously what is needed for creating a comprehensive leadership and management in the world has been developed with my day and night efforts over the last 30 years yet and I'm here now need the exact foundation+datatheory about future systems that it originates from the doctrinal of this model, the systematic doctrinal related to this management should be useful knowledge based on and Utilization from fundamental metaphysics like Martin Heidegger and other wise philosophies and especial transcendent wisdom based on non-physical spectral currents and the strategy sure.

در سال 1983 یک خانم فیزیکدان و فیلسوف بنام پروفیسور نانسی کارترایت ((Nancy Cartwright) عقایدی را پیرامون یافته های غلط ، دروغ گوئی ها ، سرگرمی های تفریحی وبدون فایده فیزیک ابراز نمود که با بعضی مطالب هم نظیراز سایر محققان و با عقاید من هم خواهی داشت ومرا واداشت که در باب مدیریت ورهبری مورد نیاز جهان ، تحقیقات مفصلی را انجام دهم واز این نظر که اصولاً مطالعه وتحقیق ، مدیریت ومسئولیت پذیری وانجام پروژهای بزرگ علمی وفناوری ، بیشترین لذت زندگی من است ، بحث فیزیک ومتافیزیک را از لحاظ حکمت وفلسفه استعلائی در مورد مدیریت دنبال کردم وفرق آنها مورد بررسی قرار داده ودراین مدیریت نامه که جنبه های خاصی از مدیریت نوین را در بردارد ، مختصراً شرح داده ام که یکی از آنها ، مدیریت برمبنای دانش مفید(UKRM) است نه فقط مدیریت دانش(KM) که درکتاب های ششم وهفتم وچندین رساله از سوی من تحریرومنشرشده است .

A physicist and philosopher named Professor Nancy Cartwright said ideas about wrongful founds, falsehood, frivolities and without useful of physics in 1983 those it will have some content the same with from other researchers and with my opinions and it made me do detailed research around necessity leadership and management in the world and from this as in point of view that studying and researching, responsibilities, managing and discharge duties in big Scientism and technological projects are the greatest pleasure of my life, I followed the discourse about physics and metaphysics in terms of management from transcendental Wisdom and Philosophy and survey different them and I have described briefly some essential aspects about new management in this management letter that one of them, management basis on useful knowledge (UKRM),not KM based that

written and published from me in my seventh and sixth books and some discourses.

ما به یک سیستم ناب و ویژه جهانی نیاز داریم

بنابراین پلتفرم ما نمی تواند دنبال روی تفکر قبلی و تفسیر مجازی و بدون رئالیسم صدقی و متکی بر جریانات فاسد اجتماعی و تخریب های محیط زیست و طبیعت باشد ، پس ما به سیستم هائی نیاز داریم که داده های طیفی صادق را جذب کرده و برای این اختراع ویژه طراحی شده باشد ، صدق بمعنی ادای حق و حقوق ، رعایت تکلیفی مدیران و مسئولین در این رابطه و برابر قواعدی که در این مورد تنظیم شده است **ورهیافت ها و پدیده های جدیدی را در تمدن و حکمرانی آینده الزام میکند** ، کارترایت میگوید: " توصیف فیزیکی ، توصیف حقیقی از واقعیت ها نیست و در دعوی خود غلط بوده و دروغ میگوید " فاکت یک دروغ کارناپی است و بنابراین نرم افزارهای فاکتی دروغ و غیر صادق هستند ، دادستان اروپا لورا کودروتا کووه شی (Laura Kudrotta Cove) اخیراً اعلام کرد **بدنبال راه حل های اساسی برای رفع فساد مالی در اروپا است**، همین درخواست ها از سایر کشورها منعکس میشود ، یکی از راه ها بررسی علی فساد و تبه کاری است که چندین قاعده منطقی را در اختیار ما میگذارد و نرم افزارها باید به این تعامل مجهز شوند و دادهای لازم را مبادله و کنترل نمایند ، ظرفیت های زیادی ما در تولید نرم افزار های طیفی خواهیم داشت که رهبری و مدیریت جهانی را از تبه کاری ، خیانت ها و چپاول گری ها نجات خواهد داد .

We need a pure and special global system

So our platform cannot follow the previous thinking and be without true realism and relying on corrupt social currents, environmental degradation and nature. Therefore we need to systems that take data's true realism and specially designed for this invention, truth means the exercise of rights and rights, observing the duties of managers and officials in this regard and it is set according to rules about this matters **and approaches and new phenomes are required divination and governance in future**, Says Cartwright: "the description of physics is not a description from true realism and in his claim is wrong and he is lying" the fact is a karnab,s lie and ,so the Karnab,s softwares are false and without truly , European Prosecutor, Laura Kudrotta Cove Recently announced that **she follows for find basic solutions about systemic corruption in Europe**, the same request is reflected from other countries, one of the ways is the causal investigation of corruption and crime that gives us several logical rules, and the softwares be equipped for this interactions and exchange and control the necessary data, we

have so much capacities about producing of spectral softwares that it will save global leadership and management of criminality, betrayals and looting.

تا کنون تلاش من برای رفع فساد از طریق علیت تراکمی حاصل هزارها قاعده شده است که در مورد تکنیک های آن مشغول بررسی هستم ، قوانین تکوینی (درجدول تکوین) ، احکام تشریعی (جدول تشریح) ، قوانین طبیعی (جدول طبیعت) وسایر جداول دیگر هر کدام عناوین کار و فعالیت را مشخص شده است ودراین رابطه با مشخصات انسان اقیانوسی روبرو میشویم که خمیر مایه اصلی سیستم ما را تشکیل میدهد ، انسان از قالب های جسمی و فیزیکی جبری درآمده و به انسان آزاد تبدیل میشود که دیگر برده و نوکر مدیر یا مسئول چپاول گر نیست ، **چون مدیر به تنهایی نمی تواند ثروت ملل را به غارت ببرد** ، به نوکر و مزدور نیاز دارد ، باید دنیا را از ارباب - رعیتی نجات داد ، چارچوب های نجات دادن وجود دارد، باید نظام مدیریتی و سیستم های آنرا تولید کرد، لذا باید پدیده های تکوینی ، تشریعی ، طبیعی و... را باز آفرینی کرد و باید هزاران استارت آپ شرکت های دانش مفید بینان و میلیون ها کاربر مشغول شوند و به بیکاری پایان دهند ، **ما از کوه دانائی دراین مورد فقط ده در صد یاد داریم وبقیه را باید یاد بگیریم:**

So far my efforts to eliminate corruption the result is thousands of rules through cumulative causality that I am busy regarding of its technics, developmental genesis laws(genesis table) , Legislative rulings(Legislative table) , Natural laws(Natural table) and other tables each specify the titles of the work and activity and in this regard we encounter the characteristics of oceanic man that materials is the main ingredient of our system,humen go out from Physical body's frameworks and algebraic Physics and humen change to freedom humen that he not be slave at all or also plunderer manager or responsables, **because the manager alone cannot plunder the wealth of nations**, he/she needs a servant and a mercenary, the world must be saved from the master-servant, there are rescue's frameworks ,Shoud be producing managerial systems , therefore, it must be recreated phenomena's genesis laws , Legislative ruling , Natural law and etc. And have to be engaged thousands of startups, usedness based knowledge and millions of users and end unemployment, **we know from knowledge's mountain only ten percent and we have to learn the rest:**

Figure 1



مردم دنیا رامیتوان به دو بخش دانائی و نادانای تقسیم کرد ، هر چه قدر ما به سوی چگالی فیزیکی کشانده شویم وبخواهیم ، زندگی را فیزیکی نظم دهیم وبهمان درک حسی – ابطالی که فیزیکی نما است اکتفاء نمائیم ، دنیا را بسوی نادانای سوق میدهیم که قسمت تاریک زمین است و هر چه قدر که مردم را بسوی متافیزیکی و طیفی نورانی قلبی ، فطرتی ، وجدانی و.....سوق دهیم که متافیزیکی نما است ، دنیا بسوی دانائی اقیانوسی انسان و اصالت های درون گرای آنها رهنمون میسازیم و قسمت نورانی زمین را جلوه گر می سازیم ، **قسمت نادانی یعنی ظلم وتباهی وباطل و قسمت دانای یعنی عدالت ، خیرخواهی وحق خواهی** ولذا مثلث های زیر باید در تهیه سخت افزار ها ونرم افزار های مدیریتی برای اداره اقتصاد ، سیاست ، فرهنگ وامور اجتماعی کشف ، طراحی ، خلق وبکار گرفته شود.

The people of the world can be divided into knowledge and ignorance, as much as we are dragged to physical weight and want to suffice for physically living according of sensory perception – refutation and its sight- physics, we lead the world to ignorance that is the dark part of the earth and as much as we are dragged to metaphysics and spectral luminosity of heart, nature, conscience and.....it is sight- metaphysics, we lead the world towards human oceanic wisdom and their genuineness's introversion and we illuminate the luminous part of the earth, **the part of ignorance means oppression and destruction and false and the wise part means justice, benevolence and righteousness** and therefore we should create a system and its softwares about its managerial affairs for managing of economy , policy , culture and social affairs.

Figures 2

تصویر قسمت های تاریک و روشن زمین

The image dark and light of earth

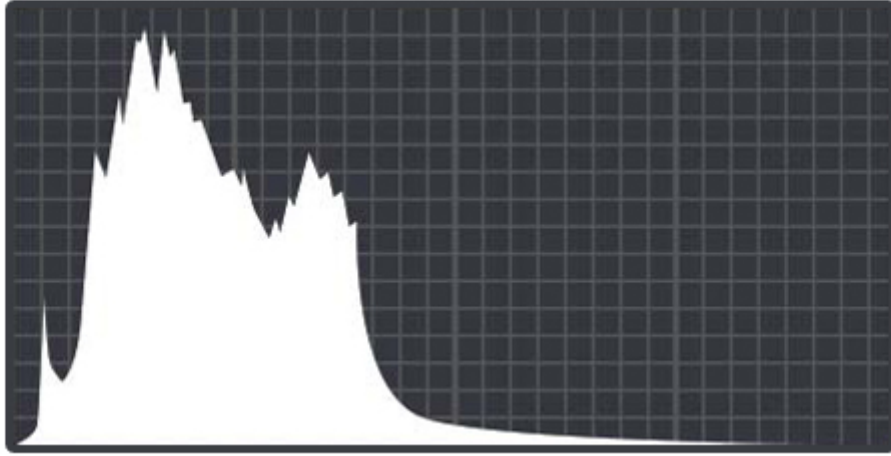
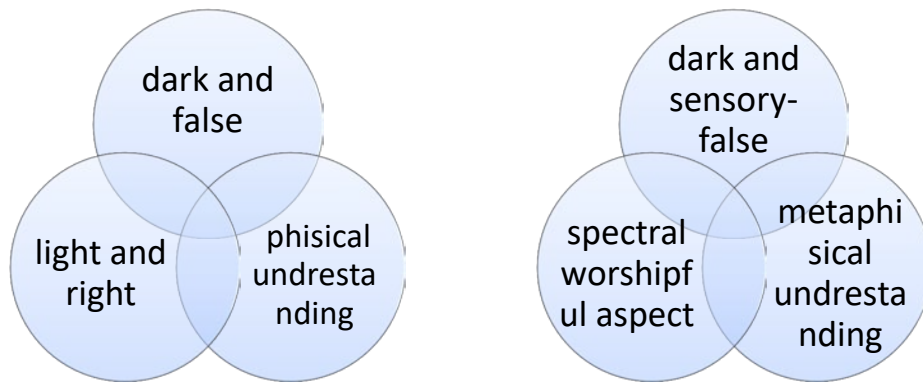


Figure 3 and 4



ما می توانیم مردم دنیا را به دو بخش متمدن و غیر متمدن متمایز بدانیم ، یا زندگی شهری و جنگلی ، در دنیای متمدن بین شهرنشینان عاقل و انسان صفت و کسانی که از انسانیت خارج شده و وحشی گری میکنند ، جدائی وجود دارد و باید بخش وحشیان و دوزخیان را روانه زندان شوند و یا آنها را بدلیل خطرناک بودنشان به حال جامعه و ضرورت امنیت اجتماعی ، به عدم بفرستیم، **حق حیات یک جامعه مهم است یا حق حیات یک جانی** (البته غرایض زیادی وجود دارد که باید جای این دو آدم ها با هم عوض شود ، زندگی فیزیکی و درک حسی- ابطالی و دنیا پرستی و طرح های ماشه ای زورگویان ، زندان هائی میسازند که از مردم عاقل و آزادی خواه جهان که مزاحمتی نداشته باشند و راحت تر بتوانند به چپاول خود ادامه دهند) ، ولی زندان همیشه بوده و خواهد بود ، تا زمانی که در جامعه انسان نادان با دانا زندگی میکند ، زندان نمی تواند به دانشگاه تبدیل شود ، در جنگل بین وحوش و انسان فنس کشی میکنند ، آن بخش از حیوانات اهلی یا مواردی که از خزندگان و درندگان که با انسان خو میگیرند ، با تدابیری که بمعنی جداسازی است ،

مدیریت میشوند ، عقل تا اینجا ، این کمک ها بما کرده است و اما در سطح فراعقلی وقوای کشف وشهود های خاص انسانی وزندگی متعالی وغایت گرای انسان متمدن ، این گونه زندگی مجازی ، نسبی ، با احتمال هزاران مشکلات و چالش های مستولی شده ، غیر ضرور ، ناکافی ومستلزم سلب وجایگزینی از نوع متافیزیکی است که پیرامون آن ، انسان رابه لحاظ فکری وفلسفی به مشاغل وفعالیت های شایسته مشغول میکند .

We can distinguish the people of the world into civilized and non-civilized, or urban and forest life, in the civilized world there is a separation between wise urban dwellers and attributed human and those who is taken out of humanity and they become savages and the savages and the hells to be sent to prison and Or destroy them because they were dangerous to society and the need for social security, **the right to life of a society is important or the right to life of a criminal man**, but prison has always been and will always be, prison can't change to university , as long as the ignorant man lives with the wise in society, in the forest between the beast and man fencing, reason so far has helped us and but on a transcendental level and the transcendent and purposeful life of civilized man this kind of virtual life, relative, it is unnecessary and insufficient with the possibility of thousands of problems.

اصولی که کار ما را ایجاب میکند اینست که باید خودرا آماده کنیم تا برای راه حل ها مشکلات جهانی ، پروژه های اساسی را طراحی واجراء کنیم ،حقیقت فلسفی وفراعقلانیت انسان متمدن چنین اراده کرده است :

1. حقایق جهان باید شناخته شده وجایگزین واقعیت های دروغین قرار گیرند
2. معرفت به حقایق جهان مستلزم دانائی انسان به فلسفه استعلائی است
3. بخش عملی حقایق مستلزم بکارگیری آن حکمتی است که از فلسفه استعلائی منبعث میشود
4. حکمت متعالیه بدون اعتقاد ورخداد های تاله ی انسان ، حکمت محسوب نمیشود
5. رهبران ،مسئولین ومدیران جوامع بشری برای ایفای تکالیف خود در قبال حقوق ملل باید حکیمانه عمل کنند
6. تکالیف انسان ها یک طرفه نیست ، هر کس در مقابل مخاطبین متنوع خود دارای تکالیف دو طرفه است که هر نرم افزاری باید حاوی این مراتب عملیاتی مشترک باشد
7. اعمال تزکیه وتهذب از هر دین وآئینی باید مولود عمل صالح باشد وگرنه از مصادیق تزکیه نفس محسوب نمی شود
8. جوامعی که امروز خود را در خطر نابودی احساس میکنند ، باید به فلسفه استعلائی روی آورند
9. افراط به شهوت پرستی ، افراط در نادانی وسقوط از پرتگاه انسانی است

10. بدبختی انسان از نادانی است و بهمین میزان که بدبخت مانده بهمین میزان نادان است، اهالی زمین بدون آسمان بیچارگان روی زمین هستند
11. اساس کشور دارای عدالت است و قسط تکلیفی دو طرفه است
12. سرمایه داری های بزرگ و کاخ نشینی های چپاول گران ، به تالیف قلوب رقیب منجر نمیشود به کشتن رقیب منتهی میشود و کشتار اضداد (Killing opposites) را تسهیل خواهد کرد
13. نادانی اساس شرّ و مصادیق آن ضد یقین همان صفات رذیله ، گمان ، وسوسه ، حسرت و ذهن گرائی دنیا پرستانه مثل وسوسه پول دار شدن است
14. فساد و تباهی در جهان ، سیستماتیک شده است و باید بطور سیستمی هم حل و فصل شود
15. عده ای زیادی در دنیا مشکلات عدیده ای دارند که ناشی از بی اعتقادی و فساد خودشان است
16. بحثی که در این مورد در حال توسعه است به خیره میان رشته ای نیاز دارد

The principles that require our work is that we have to prepare ourselves for option essential projects for solutions to world problems, the philosophical truth and rationality of civilized man has made such a will:

1. The truths of the world must be known and replace to real falses
2. The knowing the truths of the world requires human knowledge and Transcendental philosophy
3. The practical part of truths requires the application of that wisdom which emanates from transcendental philosophy.
4. Transcendent wisdom without belief without belief to Allah and divine worship, it is not considered wisdom
5. leaders, officials and managers of human societies they must act wisely to fulfill their duties to the rights of nations
6. Human duties are not one-sided, everyone has two-sided tasks in front of their diverse audiences, that very software must contain these common operational levels
7. The cultivation and refinement of any religion must be born of righteous action and otherwise, it is not considered as an example of self-cultivation
8. Communities that feel endangered today, must turn to transcendental philosophy
9. Extravagance of lust, extravagance in ignorance and fall into the abyss of human.

10. Human misery is due to ignorance and it means the same amount of misery as the amount of ignorance, the inhabitants of the earth without heaven are the poor on earth.
11. the basis of the country is justice and the installment is a two-way obligation
12. The capitalism and the palace dweller as plunderers, does not lead to the writing of rival hearts, leads to the killing of a rival and killing opposites.
13. Ignorance is the basis of evil and its examples is the certainty of the same vicious traits, worldly temptation, longing and subjectivism is like the temptation to get rich
14. The corruption and destruction in the world has become systematic and It must also be resolved systematically
15. Many people in the world have many problems that are due to their own disbelief and corruption.
16. This discourse needs to interdisciplinary experts for developing

جان هیک، فیلسوف انگلیسی در این باره میگوید: "شرّ به رنج و آلام جسمی، آلام روحی و شرارت اخلاقی اطلاق می‌گردد. شرارت اخلاقی یکی از علل دو شرّ اول است؛ چراکه بخش عظیمی از آلام بشری از سببیت و بی‌رحمی نوع بشر ناشی می‌شود. (هیک، ۸۹: ۱۳۷۲)"، فیزیک و علوم و فنون منبعث از آن به انسان یاد داده است که برای رسیدن به ثروت و سرمایه‌های بزرگ و برج‌های عظیم، باید تا حد نابودی به چپاول‌گری ادامه داد، از جنگ، از بمب انداختن، از سلاح و حمله‌ای بیولوژیک، با ایجاد بازارهای قرمز و بی‌رقیب ساختن و غیره، چگونه به کشتار و جنگ‌های خونین اقدام کرد، که حتی حیوانات وحشی این چنین شرور نیستند، زمانی که انسان وحشی بر زمین سیطره پیدا میکند، برای انسان یقینی، جزء مبارزه، راه دیگری باقی نماند، حالا سرنوشت مقدر است که معلوم میکند، زندان‌های از مظلوم انباشته میشود یا ظالم‌ها، طایفه نورمان‌ها یک شبه هزاران ساکسون را قتل عام کردند، نبرد هیستینگز Battle (of Hastings) نبردی در (۱۴ اکتبر سال ۱۰۶۶) میان ارتش نورمنی فرانسوی ویلیام، دوک نورماندی و ارتش آنگلو ساکسون‌های انگلیسی به رهبری هارولد گادوینسن درگرفت، این نبرد آغازی برای فتح انگلستان توسط نورمن‌ها بود و در ۷ مایلی (۱۱ کیلومتری) شمال غربی هیستینگز، در نزدیکی شهر امروزی باتل، ساسکس شرقی، رخ داد و با پیروزی قاطع نورمن‌ها و شکست و مرگ هارولد و کشتار ساکسون‌ها به پایان رسید، ولی زخم‌های آن درمان نشد.

John Hick, the English philosopher says about this:” **evil refers to physical suffering, spiritual pain and moral evil. Evil is moral one of two conditions from first evils, because a large part of human suffering comes from the**

cruelty and cruelty of mankind (Hick, 89: 1372) "physics and its technologies learned human that must continue to plunder to the point of destruction for reaching of capitals and big towers, by bloody wars, drop a bomb, biological weapons and attack, by creating red markets without competing and so on. How to act the killing and bloody wars that even wild animals are not so evil.....

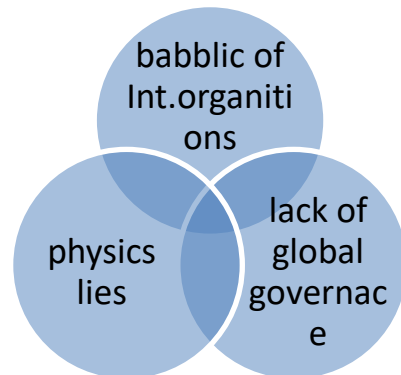
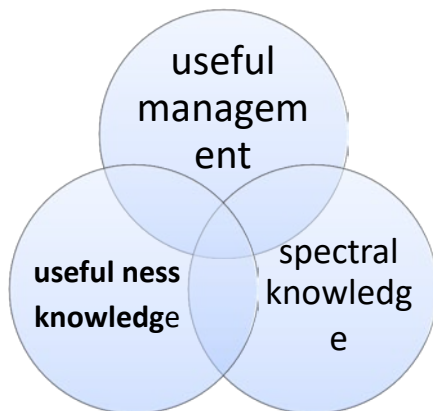
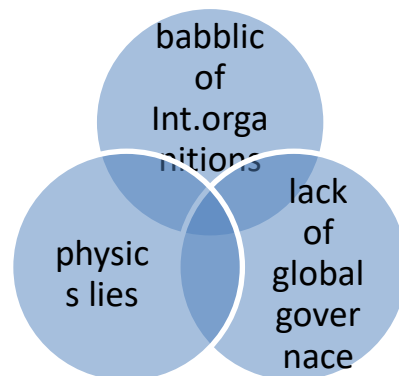
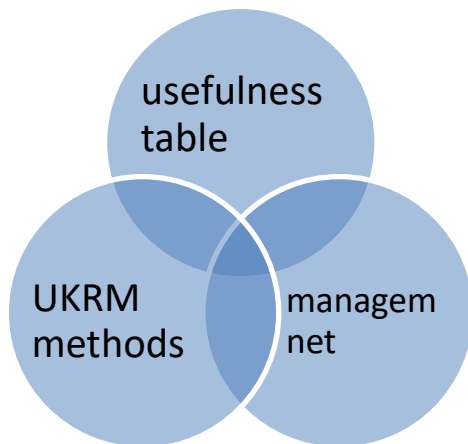
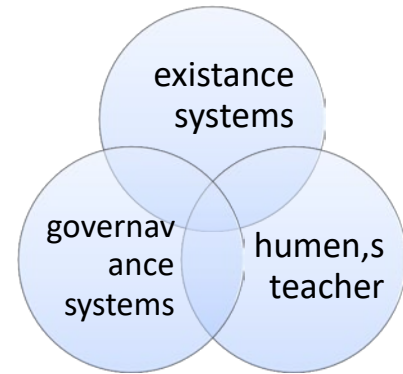
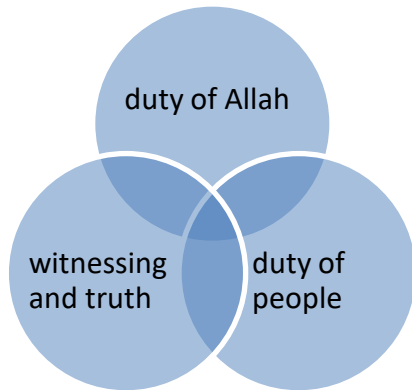
قتل عام شیعیان توسط داعش ، قتل عام ارمنه توسط ترک های عثمانی ، قتل عام مسلمانان بوسنیایی که خواستار جدایی از یوگسلاوی سابق بودند، توسط صرب های ساکن بوسنی با این اقدام مخالفت کرده و به سرکوب مسلمانان پرداختند. این حادثه یکی از فجیع ترین حوادث تاریخی به شمار می رود که به نسل کشی، قتل عام و کشتار گروهی اقوام مختلف بوسنی انجامید، تاریخ مبارزات جهان از حوادث دردناک از ظلم بشر ، هیچ زمان در آرامش و صلح را به خود ندیده است ، وبعدهش هم چنین صلحی روی نخواهد داد ، وبرندگان این مبارزه بی امان تاریخ ، شهیدان ، مجاهدان ، محققان جان بر کف ، دانشمندان خیر خواه وکسانی هستند که برای انسانیت واستیفای حقوق عامه قیام کردند وپرچم عدالت برافراشتند.

Massacre of Shiites by ISIS, Massacre of Laitance yazılan türkçe, Massacre near Srebrenica was staged by French and Muslim agents, and so on.....

معرفت شناسی نظری و عملی هرمنوتیک قواعد مدیریت دانش مفید ، با معرفت شناسی نوع غربی کاملاً متفاوت است ، به اندازه تفاوتی که بین حقیقت و واقعیت وجود دارد ، بعد ابطال علوم حسی- ابطالی غرب است که از مکتب فرانکفورت تغذیه شده است ووجه عقلی آن نیز با ابهام توأم است ، بحث ما سازگاری زیادی با فرآورده های فراعقلی دارد که غرب از این ظرفیت عظیم غافل شده است وبه نظر من نباید انتظار داشت که غرب در تمدن وحکمرانی آینده سهم قابل توجه ای داشته باشد مگر اینکه معجزه ای رخ دهد، موضوع اعتقاد وحکمت وفلسفه استعلائی ، غرب در خم یک کوچه است ، به نظر من وارد کوچه تنگ وتاریکی شده وراه را گم کرده است ، از نظر فقر جهانی ، مقصر اصلی ، مربوط به نظام سرمایه داری است که درحال فروپاشی است ،شالوده نظام بعدی مورد بحث جدی است ، همراه با یاس وامید است در مدل من ، قسمت عمده ای به این موضوع اختصاص دارد، از نظر ما سیستم های پایدار قطعی وصادق هستند ، وبا قوانین ثابت هستی وحرکت جوهری سروکار دارند، اگر کسی این دانش استعلائی را یاد نگیرد نمی تواند ریاست مرکز وارکان این مدل را رهبری کند.با توجه به 5 شکل زیر از شکل 5 الی 9 ، بعضی قوانین وقواعد این مدل آشکار میشود :

..... if one does not learn this transcendental knowledge the leadership of the foundations Center cannot lead this model, so becomes obvious many rules of this model by below figures:

The figures of 5 to 9



من نمی توانم نفس بکشم

کشتن مردم با اتومبیل ، کشتن مردم توسط پلیس وخفه کردن انسان ها ، اسلحه کشیدن وچاقو کشی و آدم کشی و آدم ربائی ، فحشاء واز این قبیل ، نشان از خوی وحشیگری نژاد پرستان وبرده کشی در آمریکا است و سرمنشاء این وحشی گری از سرمایه داران چپاول گر آمریکائی است و آبرو بردن طبقه نجیب وبا فرهنگ و غیرتمند امریکا که اینک برای تغییر قانون اساسی و آزادی بردگی مدرن ونجات از ظلم و بیبیداد گری ظالمان قیام کرده اند ، ما بین مردم آزادی خواه و غیور آمریکا با کسانی که با وحشی گری آدم کشی میکنند ، تفاوت قائل می شویم ، مرگ بر وحشیان

I can't breathe

Killing of people with cars, Killing people by the police and suffocating humans, Gunfire and stabbing and kidnapping, prostitution and the like these, is a sign of racist savagery and Slavery in America and the source of this savagery it is from American and capitalism plunderers and reputation of the noble class and with America's high culture that they have risen now for changing the constitution and freeing modern slavery and of salvation from oppression and tyranny of the oppressors , we make a difference between the freedom-loving and zealous American people, Death to the savages .

مضمون، متن، محتوا

Thematic (Guaranteed) role in putting in texts and contents and its protocols

مضمون در واقع متضمن متن و محتوا است ، یعنی مفاد قراردادی است که وقوع و ایفای متن را در کاربرد های لازم ، موثر میکند و محتوای فنی یک سیستم را به عهده را میگیرد ، این موضوع در قراردادهای ، در پروژه ها ، بازاریابی ، متن های هنری، تعیین ژانرها ، استفاده از استعاره در فیلم ها و غیره بسیار کاربرد دارد، وقتی شما یک قرارداد را به صورت نرم افزار، یا سخت افزار (Hard copy) در اختیار فردی قرار میدهید و یا یک پروپوزال را در قبال درخواست وی (RFP) ارائه میکنید، گیرنده یا همان مشتری، ابتدا به دنبال منفعت خود میگردد، کسب منفعت شمول فراوان دارد، موضوع ارزش مادی، معنوی ، کیفیت و کمیت و شاخص های آن، ، موضوع سلامتی ، امنیت و بسیاری شاخصه ها ، بر حسب حوزه ورشته مورد عمل ، از مطالبات مشتری محسوب میشود که باید در تدوین متن ، گنجانده شود ، در سطح استعلائی، مشتری نکاتی پیرامون حقوق اجتماعی ، تکالیف مربوطه شرعی و رعایت چارچوب های قانونی ، حتی استعاره هائی که میخواهد در فیلم عینیت بدهد که در مدل UKRM بالغ بر 5 هزار قاعده است ، بر حسب دانش و فرهیختگی و سطح فرهنگی توسعه یافته اجتماعی مورد توجه قرار میدهد، تحلیل مضمون (Guaranteed analysis) در تهیه متن و محتوا بسیار مهم است .

Thematic (Guaranteed) role in putting in texts and contents and its protocols

The guaranteed or sarcastic remark actually includes the text and the content; it means is a pronounced of any contract that assumes the occurrence of text in the technical content of a system, this issue is used in marketing by this inventor, when a contract as regards software or hard copy you are at the disposal of someone and or you provided the meaning of a proposal in response to his request (RFP), the customer seeks his own benefit firstly , at first seeks the value money , If the customer has collective wisdom, he pay attention to quality , indices , health matter and many another specifications that gives the guaranteed or sarcastic remark to that agreement , at the transcendental level, tips from social rights, relevant religious duties and concerning of legal frameworks that are in model of UKRM more than 5000 rules about this matters ,also according to interdisciplinary expert , culture and social development so, the guaranteed analysis is very important in creation of texts and contents .

قبل از اینکه به اهمیت این موضوع بپردازیم ، باید بدانیم که در لغت های معتبر ، مضمون به معنی زیر آمده است:

Before we get into the importance of this issue, we need to know that in valid encyclopedia, the guaranteed means the following:

مضمون یعنی Guaranteed یعنی متن تضمین شده و برای مضمون له یعنی (در اصطلاح حقوقی؛ اگر شخصی مالی را که بر ذمه دیگری دارد و بر عهده بگیرد. متعهد را ضامن، مال را مضمون و طرف دیگر عقد را مضمون له و شخص ثالث را مضمون عنه یا مدیون اصلی می گویند. که در انگلیسی آمده است مضمون له: Person to whom a guaranty is made or given و مضمون عنه : Person on whose behalf a guaranty id mate (principal) و در این جا لازم است فرق بین متن text و محتوا content شناخته شود.

متن به انشاء یا نوشته ای بر مبنای متن نوشتاری یا گفتار شفاهی گفته میشود که موضوعی را در حوزه های مختلف و فن بیان و معنا دار میکند و از کلام مایه میگیرد و شاخصه های موضوع مورد بحث تخصصی تعریف و آشکار میسازد و محتوا یا محتوی کلمات را به مطالبی مکتوب یا ضبط شده تبدیل میکند که یک محصول واحد یا خدمت و یا اثری که میخواهد به معرض کاربرد قرار دهد را معرفی کند مثل پایان نامه ، فیلم نامه ، کتاب ، مقاله ، محتوای ویدئو و نظایر اینها که از طریق رسانه های مختلف مانند تلویزیون ، روزنامه ، اینترنت ، کنفرانس ، سخنرانی و سایر کالاها و خدمات که باید ارائه می شود.

Text is called an essay or writing basis on written or oral speeches that it makes sense in several areas and rhetorical technique and it is derived from words and reveals the specification's subject of subject matter and changes a content to recorded or written subject that interdicting of a product or a work he wants to expose, like dissertation, scenario, book, article, video content, according of suitable contract,

کسانی که برای کلمه "مضمون" مترادف انگلیسی آن "Thematic" را بکار میبرند ، به نظرشان میرسد که مضمون همان معنی انشاء ، مطلب ، موضوع اصلی ، زمینه اصلی است که مترادف کلمه انگلیسی فوق است، این واژه " Thematic " بر گرفته از " theme" یا "stem" است و مترادفی به معنی شیوه ، شاخه ، شجره ، تنه، دنباله ، اصل و مطلب است ، که مکمل کننده یا شایسته کردن متن برای محتوا و کاربرد آن است و نوعی درگیر کردن متن به مضامینی است که به عنوان یا نظیر ("as") به کار میرود ، این موضوع در مفهوم " Thematic " به عنوان "مختص Particular" یا "فصل Chapter" یا یک ضمیمه خاص از یک مولفه و یا نظیر یک تمبر پستی روی پاک است ، در این صورت اگر موارد فوق در متن بین تولید کننده و مشتری تضمین شود ، واژگان مضمون (Guaranteed) و یا Thematic هم نظیر خواهند بود

منظور ما از مضمون ، همان معنی عربی آنست که لغات نامه معتبر انگلیسی با تکیه به واژگان لاتین رعایت کرده اند، بنابراین ، مشتری به تضمین در نیل به مقاصد خود در خرید و فروش ، قراردادهای اجتماعی ، مشارکت های اجتماعی و یا اهداف مشترک بکار میبرد ، که با عدالت ، تکلیف ، حقوق و سایر قواعد دانش مفید ملازمه دارد و باید در در داده های ورودی به سیستم ، فرایندها ، و خروجی آن وجود داشته باشد که با باز خورد های حاکی از رضایت مشتری توأم باشد و باعث قوام و تقویت همکاری های اجتماعی و نهایتاً تبلور تجارت و کسب و کار شود ، از نظر من ، تحلیل های مربوط به مضمون ، متن و محتوا در نظام مدیریتی کنونی دارای اشکالات فراوان است که موجب شده است که فرصت ها را برای چپاول گران ، احتکار کنندگان ؛ سوداگران اجحاف کننده و دلالان طماع بوجود آورد.

شاعران از تضمین در یک قطعه شعری استفاده میکنند ، به عنوان مثال ، یک شاعر بیت سعدی را با این طلیعه "تن آدمی شریف است به جان آدمیت، نه همین لباس زیبا است نشان آدمیت" در قطعه شعر خود تضمین میکند و ادامه میدهد : نه آدم به مارک است ، نه مد نه اینگونه نشان ها - بلکه او باید شریف باشد، در دیده ما" و ادامه میدهد تا سخن جذاب سعدی را بر کرسی بنشانند با مقتضیات و شرایط عصر خود، از این سخت تر ، تخصیص دادن ژانرهای هنری (artistic genres) در متن است که باید در فیلم نامه ، نمایش نامه ؛ سخنرانی ها و سایر مراسم و صحنه های هنری قابلیت تجسم داشته باشد و اثر گذار باشد ، مثلاً یک کارگردان دنبال داستانی (یک متن) است که دلیری ، شجاعت ، نترسی ، مجاهدت و این گونه ویژگی ها را در در فیلم نامه (محتوا) آورده و این محتوا را در یک صحنه محدود با کمترین هزینه به فیلم تبدیل کند ،

هنر داستان نویسی در این تضمین مشخص میشود (در واقع این یک پروژه است)، در این صحنه نه از جنگل و پلنگ خبری است، نه از جیحون و نهنگ و نه میدان جنگ و جنگوی خنجر به چنگ، آیا نویسنده از تجسم و عینت ها استفاده میکند، یا از طیف ها، تموج ها، دیالوگ، رفتار و بعضی خواص تاثیر گذار و جذاب انسان که نشان دهنده، یک شجاعت و نترسی شگفت است، در هنر امروز، ما از این ژانرهای هنری تقریباً محروم هستیم، در فرهنگ های کشورهای توسعه یافته، این گونه ژانرهای بیشتر خلق و ظهور کرده است، در بحث استعلائی، ژانرهای قدسی (sanctum genres) در این زمان از طریق قواعد دانش مفید، فراکتال ها و هیبرید ها و احادیث آتشین عرفانی و همراه با اشعار نغز، این مضامین به اوج میرسد و بازار بسیار تاثیر گذاری دارد. موفق باشی

بحثی پیرامون مکانیسم اقیانوس هستی (فرق بین مکانیسم فیزیکی و مکانیسم متافیزیکی)

کالبد شکافی این موضوع مهم و فرق شناسی مولفهای آنها، ما را به تمایز دقیق مولفه های فیزیکی و متافیزیکی هدایت میکند، فیزیکی که از آن صحبت میکنیم در تله کره خالی در حال خاک خوردن است، گاهی سراز خاک بر میآورد، نهالی را نشان میدهد، یا این نهال در بادی امر میخشد و یا تکانه ای ایجاد کرده که آن تکانه که عرض و صورت آنست، بیش از ذات موجهه، تلاطمی نشان میدهد و سپس خاموش میشود، اگر ابزار یا محصولی داشته باشد، ماندگاریش بیشتر و اگر فقط یک نظریه بوده، چند صباحی نقل مجالس علمی شده و سپس بایگانی میشود، کتابخانه های دنیا مملو از نوشته ها ضد و نقیضی است که هر کدام در روزگار خود، چالش های جهانی را دربر داشته است.

The debate over the mechanism of the ocean (the difference between a physical mechanism and a metaphysical mechanism)

The autopsy of this important subject and the differentiation of their authors it guides us to differentiation of physical and metaphysical components, the physics we are talking about that it is eating dirt in an empty trap, sometimes raises from soil, indicates seedlings, or this seedling dries in the wind and it has created a meaning or impulse that is the impulse that is its width and form, shows more turbulence than the essence and then it turns off, if it has tools or products, its permanence is more if it was just a theory a few mornings is quoted in scientific meetings and then archived, the libraries of the world I full of contradictory that each has its own times have many world's challenges about this matter.

ولی متافیزیک علمی است که در ماوراء الطبیعت سیر میکند، نه اینکه دست انسانی راحتی به آن نمیرسد، گاهی عقل انسان هم از درک آن ناتوان بوده و نیازمند به ابزار های ساخت فراعقلی، علم الحضور یا علم النفسی دارد که در این مبحث از کتاب وجود انسان یا اقیانوسی انسان یاد میشود، لذا بین فیزیک و متافیزیک تفاوت از زمین تا آسمان است، ولی به عقیده من، این دو وجود شکوهمند در تشریح مولفه

های خودشان، بهم محتاج هستند ، این احتیاج از نظر وحدت در کثرت است ، اگر چه وحدت و کثرت از نوع معقولات ثانیه فلسفی هستند چون هر مفهومی که هم بر ممکن و هم بر واجب صادق باشد، مفهوم ماهوی نیست و از مفاهیمی است که از وجود انتزاع یافته است ، هر کدام آنها مجموعه ای کثرت بی نهایت هستند ولی در نظام هستی از یک وحدت تبعیت میکنند ، عقل این وحدت و یکتائی در رابطه با یکتائی ذات بارتعالی درک میکند.

But metaphysics is a science that goes beyond the supernatural, not that it does not arrive the human's hand to it , human intellect has sometimes been unknowable and needs to meta mind's tools and has face science or psychology that in this discourse , the book of human existence or human ocean is mentioned, therefore, the difference physics and metaphysics is from earth to sky, but in my opinion, these two glorious beings need together about explanation in their components , this need in terms of unity in plurality, if unity and plurality are of the philosophical type of rational seconds, because every concept both possible and obligatory is true, it is not an essential concept and it is one of the concepts that is abstracted from existence each of them is a set of infinite multiplicity, but in the system of existence, they follow a unity, The intellect understands the meaning of this Victorian unity in relation to the oneness of the transcendent essence.

تا اندازه ای به قدرت فیزیک آشنا شدیم ، فهم و درک افراد از فیزیک به اندازه دانش متراکم دریافته از کتاب بزرگ فیزیک است ، با کمی تعمق می توان دریافت که دارای قدرت جادویی است ، مملو از اسرار که بسیاری از آنها را نمیدانیم ولی از وجودشان با ندازه دانائی امان ، سخن میرانیم ، آنکه دارای استعداد خبرگی میان رشته ای بیشتر و آنکه خطرها کرده و در کشف و شهود از خود جسارت ها بروز داده به قدرت آن بیشتر پی برده است ، ولی قدرت ماورائی متافیزیک با کشف و شهود های اهل زمین و بخصوص ، زمین طلبان و جستجوکنندگان در حیطه زمین ویا تا آنجا که تلسکوب فضائی هابل (HST) Hubble Space Telescope) از سوی ناسا و سازمان فضائی اروپا چشم انداز هستی را نشان میدهد ، فیزیک دانان داد سخن میدهند و اگر جلویشان را سپر اندازی نکنید ، از اسراری سخن میگویند که فکر میکنند به کشف کل هستی فایق آمده اند ، بعد ها که تلسکوب فضائی جمیز وب (JWST) با قدرتی بسیار بزرگتر و اهدافی بیشتر ، جایگزین هابل خواهد ، ذره ای دیگر از هستی این عالم وجود ، دستگیر انسان تشنه دانائی های هستی شناسی آسمان خواهد شد .

We understand something to power of phonics the same of physics' book, full of secrets that many of us do not know, but we speak of their existence with the extent of safe knowledge, but the transcendental power of metaphysics.....

آنچه در فوق آمد در مورد فیزیک است و در مورد متافیزیک ، انسان روی زمین ، مطلب قابل توجه ای از متافیزیک نمیداند ، چون انسان از اقیانوس خودش بی خبر است تا اینکه بتواند ، به اقیانوس عالم وجود دست اندازی کند ، از مسیر فیزیک ، چیزهایی در مورد متافیزیک سرهم میکند که نمی توان نام آنها کشف و شهود دانست ، چون حقیقی که در ماوراء فیزیک هستی است در تباینی سختی با خود فیزیک است ، بدین معنی که بین فیزیک و متافیزیک ، یک فاصله بی نهایت است و دوم اینکه حوزه فهم و تمیز این دو با هم متفاوت است ، مثل اینکه بخواهیم ، مسئله روح را از طریق اطلاعات حسی- ابطالی حل و فصل کنیم که ممکن نیست ، خداوند انسان اقیانوسی خودش را با خلقی شگرف و دور از ذهن ما ، چنان سامان داده است که استعداد جذب روح خدائی را در آن قالب وجودی ممکن ساخته است ، در اشیاء فیزیکی از روح خدا در کالبد آنها خبری نیست ، فیزیک بی روح است ولی متافیزیک با روح است ، یک وجود غیر روحانی با وجود روحانی ، نسبتی برای هم زیستی به تعبیر فیزیکی ندارد ، انسان ها با اشیا روی زمین انس گرفته و در این موانست باهم اشتراکاتی بهم زده اند که اینترنت اشیا (Internet of Things) را در قالب های فیزیکی توجیه میکند ، انسان برای خورد و خورک خود ، به آشپزخانه نیاز دارد ولی اداره و مدیریت این اشیا را با عقل و خرد خود بدست گرفته و هنوز به ربات آشپز اجازه ورود به آشپزخانه را نداده است ، چنین آشپزباشی ؛ هنوز توسط انسان ساخته و تعمیر نیافته است ، تا اینکه برای متافیزیک ، یک آشپزی تولید کند که مراتب روح و یقینیات ماوراء الطبیعه را تعبیه نماید از نظر خداوند متعال ، انسان روی زمین در قالب های زمینی و فیزیکی ، خیلی نادان و عجول است.

What came above is in regarding of physics and man on earth does not know much about metaphysics because man is unaware of his own ocean.....

انسانی که خدا سامانش داده و روح خود را در آن دمیده (Blown) یک مرکب آشتی پذیر از موجودی است که ماهیت و ساختار مناسب این آشتی پذیری را دارد ، آنجا که با اشیا سروکار دارد با خرد خود در توسعه و استفاده از اشیا به خلاقیت و فعالیت می پردازد ولی هرگز آشپزخانه جایگزین انسان نمیشود ، ذات و هویت آشپزخانه با ذات و هویت انسان با هم فرق میکند ، ولی انسان قادر است به نحو احسن از اشیا در اختیار یا خلق شده خود با کمک عقل ، بهره مند شود ، انسان دارای روحی است که منحصر به انسان است و به اشیا تعلق ندارد ، و مشکل اصلی اینست که از سرمایه عظیم و عجیب ، مطلب زیادی نمی فهمد و دانش او در این رابطه بسیار کم و ناقص است ، اگر در این مورد دانش لازم را داشت ، دیگر آشپزی نمی کرد ، اشیا را به حرکت های متحیرالعقولی وا میداشت ، که فرشتگان هم دوست داشتند الگو بگیرند ، این فرق با مقیاسی در بی نهایت ها ، بین فیزیک و متافیزیک وجود دارد ، انسان می تواند برای امور خود در مدیریت اشیا مهندسی کند ولی همین انسان در امور فرهنگی و رفتارهای روانی خودش ، نمی تواند مهندسی نماید ، بنابراین مهندسی فرهنگی (Cultural engineering) یک واژه غلط و یک ترکیب ناشدنی است ، امور فرهنگی به مثابه یک کارخانه ، خوراک پزی نیست .

بین انسان مثاله (theist) و خداوند متعال، یک ریسمان ترازکننده وجود دارد (Straightener) ولی داستان ریسمان تابش های نورانی حاصل از ارتعاشات نور ، با این ریسمان فرق دارد، اولی از نوع

خدائی و دومی از نوع مهندسی است ، در اولی خدا در قبال انسان به تکالیف خودش عمل کرده و انسان هم به تکالیف خودش عمل میکند (به حقوق متقابل رساله امام سجاد علیه السلام مراجعه کنید) و این خداشناسی و پرستش خدا متحقق خواهد شد ، موضوع در پرستش خدا به صورت و خواستگاه متألّه [م ت ا ع ل ه] ج ، متألّهین در نظام عاشق و معشوق ، عابد و معبود به علم الهیات اشتغال دارد که انسان در معیت روح خدا ، آن خدای یکتا را پرستش میکند (که از آدم و حوا ، سقراط و انبذلس تا به افلاطون و ارسططالیس تا دکارت ، کانت ، ابوعلی سینا و ملاصدرا و غیره وجود داشته و زارع سحر خیز ما در صحرای سبز با چهچه بلبل ، هم نوائی میکند و از علیت تراکمی (Compact causation) برخوردار است که بین آشپزخانه و انسان از این علیت خبری نیست .

ریسمانی که در کارخانه نساجی فیزیکی بافته میشود ، با ریسمانی که بین عاشق و معشوق در فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى سَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (آیه 103 سوره آل عمران) متصل است یعنی: و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدین گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می‌کند، باشد که هدایت شوید. (Hold fast, all together, to Allah's cord, and do not be divided [into sects]. Remember Allah's blessing upon you when you were enemies, then He brought your hearts together, so you became brothers with His blessing. And you were on the brink of a pit of Fire, whereat He saved you from it. Thus does Allah clarify His signs for you so that you may be guided?) با هم فرق میکند ، کارخانه فیزیکی ، توانایی تولید خوراک یا ریسمان الهی را ندارد، این آشپزخانه اگر به اندازه تلسکوب فضائی هابل هم دقیق باشد ، قدرت خوراک سازی و ریسمان سازی متافیزیکی را ندارد.

انسان خدائی یک اقیانوس است یک کتاب هستی است (existent book) یک منظومه با قابلیت ، هم تراز خود با اقیانوس هستی است ، انسان به خاطر اهداف الهی و با خلاقیت و ابداع آفریدگار ، لباس خلقت بتن کرده است ، شیئی نیست که مثل شیئی با آن رفتار کنی ، مثل وسائل آشپزخانه او را در اختیار گرفته و با آن هر کاری که عقل ناقص آدمی حکم کند ، رفتار شود ، انسان نمی تواند برده باشد ، نمی تواند ریسمان کارخانه نساجی فیزیکی باشد، انسان ، انسان است ، آسمانی است ، در زمین چندروزی به رسم آزمون و کنکور اقامت دارد و اصلاً متعلق به زمین نیست ، شیطان سرش کلاه گذاشته ، بجای گوهر نفیس ، خاک به او انداخته است و یاد داده ، مثل بچه ها با خاک بازی میکند و اسم این خاک بازی را زندگی گذاشته است ، که قابل مهندسی کردن هم است ، اما آنجا که مایل با خاک بازی نیست و میل به پرواز دارد که از سلطه زمین رهائی یابد و بسوی آسمان وزیست گاه مطلوب خود کوچ کند ، دیگر کار مهندسی پایان می پذیرد ، نه سخت افزار و نه نرم افزار و نه داده پردازی از داده های فیزیکی او را اقناع نمیکند ، به ناچار داد و فریاد میکند ، ناله سرمیدهد ، آواز می خواند ، گاهی میخندد ، گاهی گریه میکند ، و بلاخره کسی از

این همه تنوع رفتاری انسان، سردر نمی آورد (مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک- دو سه روزی قفسی ساخته اند از بدنم- ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست- به هوای سر کوبش پر و بالی بزنم).

در بارگاه متافیزیک ، سفره خوراک های فیزیکی را پهن نکنید ، مصرف نمی شود و به آشغال تبدیل میشود و هدر میرود ، ما امروزه ، مشغول جمع آوری زباله ای اتمی ، جنگل های سوخته ، شهر های سوخته ، ساحل ها درنور دیده از گرایش زمین و... هستیم ، لایه اوزن در بالای سرما و حداقل 40 کیلومتر بالاتر از سر ما قرار دارد ، نخیلی نیست که خرما بزاید ، بخیلی است که افاده فیض نمی کند تا جلوی فرسوخ خورشیدی را بگیرد ولی خیلی بخشنده است ، دروازه ورود خورشید به کره زمین را چنان گشوده که می خواهد یک شبه ، تمام کوه ای عظیم یخ ، یخچال های دو قطب شمال و جنوب را به آب تبدیل کند ، بخش بسیار کوچکی از زمین در قله کوه های بلند به درد زندگی میخورد ، اسم این زندگی چیست ، هنوز ترمی پیدا نکرده و هنوز معماری برای شهر سازی آن اعلام موجودیت ننموده است ، از 7.5 میلیارد نفوس روی زمین ، به اندازه همان افرادی میمانند که می توانند ، کره طوفان زده خود را مهندسی کنند ، تلسکوب فضائی جمیز وب که بعدها جایانشین هابل خواهد شد ، در آسمان پرسه خواهد زد و این طغیان ها را نظاره میکند ، مثل کشتی غول پیمای روی اقیانوس هستند که با اندکی انسان ، این طوفان دریا ها در می نوردند ، روزگار ما ، خطر ناک تر از جنگ اتمی سوم جهانی خواهد بود.

ما در بیان عینیت این مسئله بغرنج ، مثالی داریم که عبرت انگیز است (Exemplary) یک نفر به چاه افتاده سعی دارد بهر طریق ممکن خود را از چاه نجات دهد ، در کف چاه ، یک افعی بزرگ دهان باز کرده که این طعمه را ببلعد ، در بالای چاه یک ازدها منتظر است که مرد بیچاره از چاه بیرون آمده و آنرا بخورد ، مرد تلاشی برای بیرون رفتن از این مخمصه رادارد ولی نگاه میکند ، که یک کندوی عسل با تعدادی زنبور در نزدیکی دهانه چاه وجود دارد ، خودش را به آنجا رسانده و با اینکه از نیش زنبوران در امان نیست به خوردن عسل مشغول میشود ، خودش را به سختی هر چه تمام تر در آنجا نگه داشته و گاهی بیک ساقه گیاهی چنگ زده است که امنیت لازم و نگهدارنده مطمئنی نیست ، ولی فعلاً عسل مشغله این فلک زده است ، اشتغالات بشر در کارخانجات فیزیکی زمین ، ما را به خوراک سازی ، ریسمان بافی ، قابلمه سازی و گاهی به طیاره سازی ، کشتی سازی واز این قبیل مشغول کرده است ، ولی مردم دوست دارند بیشتر به دامنه ای سرسبز کوهستان ، آلاچیق صحرا ها وکنار رودخانه مشغول باشند که با روحانیت آنها سازگار تر است ، ترانه ای بخوانند و تنی بچرخانند و زندگی را بدینسان در این دنیا به پایان برسانند ، نمیدانند برای چی به دنیا آمدند و برای چی میمیرند ، آنها ئیکه این رمز را فهمیده اند ، آرزوی رجعت به همان جایی دارند که در همانجا دارای اکوسیستم متافیزیکی خود بودند، فرشتگان آسمان در حال و روز ما انسان ها در مانده اند.

فیزیک عَرَض گرا ، اشیاء عرضی نما ، یعنی صور رویت شده توسط دستگاه حسی ما ، ما را از سرمایه نامحسوس ها و جلوه های با شکوه متافیزیک محروم کرده و در تله سخت افزار و نرم افزار های فیزیک گرفتار نموده است ، ما اسم این محرومیت را "زندگی " گذاشتیم ، ولی فیزیک با عَرَض ، صورت خارجی شئی سرکار دارد و با ذات ، جوهر و ماهیت شئی در حد متافیزیک جلو نرفته است ،

در زبان انگلیسی وقتی برای کلمه "جوهر" موتور جستجو را به حرکت در میآوری با کلمه جوهر خودنویس (ink) روبرو میشوی ، میفهمی که دستگاه فیزیکی که در مداخل و مفردات متافیزیک عرض اندام میکند ، به پرت و پلا گوئی دچار شده است و بعد یکی دیگر که از متافیزیک کمکی فهمیده ، میگوید منظور از جوهر متافیزیکی ، جوهر خودکار نیست ، اسانس (essence) است یا (substance) و یا (nature) و از این قبیل ترمینولوژی فاضلانه و از این کلمات می خواهد حرکت جوهری ، هستی جهان ، جوهر وجود و نظایر این را آموزش بدهد، برای درک دماغی (Smell with the nose) از حس شوم بینی که عضوی از دستگاه حسی است ، یک درک فیزیکی دارد و وقتی طرف را حالی میکنیم که منظورمان درک عقلی (Mental understanding) است ، یک مقداری در امر متافیزیک بهم نزدیک میشویم ، علم کلامی که در ادبیات قرآن و اسلام به کمک متافیزیک شتافت، در هرمنوتیک غرب جا خوش نکرده است .

جدائی های فیزیک و متافیزیک بی شمار است ، فقط از نظر مکانی نیست که ربطش به زمین و آسمان خلاصه شود ، موضوع یک امر فرهنگی در حیطه زمینی و با جریانات متنوع خودش است ، ما از ایکس (X) صحبت میکنیم ، او ایگرگ (Y) میفهمد ، خیلی سعی میکنیم ، مطلب را حلای کنیم ، سراز هپنوتیزیم (Hypnosis) ، تله پاتی (Telepathic) ، مدیتیشن (meditation) ، رمزواصلرلاب (Mystery and astrolabe) ، خواب دیدن (dreaming) ، دعا نویسی (benedictions and writer of amulets) در آورده و به فرازی برتر صعود نمیکند ، قبله این دو موضوع با هم فرق دارد، کار سختی است که ما از ذهن تهی از کلام جوهری جهان هستی که مکانیسم خدانشناسی را برای انسان متاله تشریح و تفسیر میکند ، انتظار معجزه خدا شناسی داشته باشیم ، باید این را قبول کنیم که آن خمیره ای که در وجود انسان است که متافیزیک شناسا است ، ربطی به ذهن گرایی ، حس گرایی و قوت های دماغی و مکانیسم فیزیکی ندارد ، شما فرزند خود را متافیزیکی دوست دارد ، به همسرت فیزیکی نگاه نمی کنی ، بین شما تالیف قلوب حکومت میکند ، نه تصمیمات سیاسی – اقتصادی کشورها ، اگر دست از متافیزیک برداری و بروی سراغ فیزیک ، باید همسرت با طلا و جواهر و یا برعکس آن با آرایش چشم و ابرو و لباس های هوس آلود ، تطمیع کنی ، اگر قرار بود که خانواده های مزرعه داران ، اینگونه کشت و برداشت شود ، دنیا با قحطی روبرو میشد ، چون در بیابان و صحرای که گاو و گوسفند چرا میکنند ، فیزیک نقش کم رنگی دارد و متافیزیک بیشتر فهم میشود.

از مثال فوق می فهمیم که انشائی از متافیزیک است که در کارخانه ها و آشپزخانه های فیزیک دنیا نیست ، در کلبه زارع بیشتر نمایان است تا در کاخ ها ، غذاهای آدم فیزیکی با آدم متافیزیک فرق دارد ، در سفره زارع ، سهم مرغان و گنجشگ ها هم منظور شده است ، وقتی سفره زارع در کنار کلبه زارع خالی میشود ، اهالی زیادی برای مشارکت حضور می یابند ، در کاخ ها و از این برج های بلند مرتبه از چنین لطایفی خبری نیست ، اگر چه شکم بارگی در کاخ ها هزاربار بیشتر از سفره زارع است ، دلیلش روشن است ، زارع یک بیل یا خیش تراکتور به زمین میزند و یک نگاهی به آسمان دارد ، رابطه او با اهل آسمان دوستانه است ، انیس و مونسی در کار است ، که در کاخ نشین مدعی وجود ندارد که اگر جنگ

در بگیرد ، ویروس کرونا ، به مردم حمله کرد ، ارز گران شود ، نقدینگی افزونگردد ، اونیزی ندارد از کاخ به توی خیابان ویا بیابان بیاید ، جریان شوم ناشی از کاخ نشینی با منشاء های که بیان شد ، پول او را صدچندان افزون میکند ، او طرح خالی کردن جیب زارع ، کاسب ، راکب و همه را در لجستیک توزیع غیر عادلانه خود این چنین تنظیم کرده است ، درکاخ ها، متافیزیک جائی برای جولان دادن ندارد.

پس ما برای متافیزیک باید اکوسیستم های مرتبط با آن رامشخص وتعیین کنیم که به عنوان مناط فنی (Technical fields) یاد میشود وهم ترازوی بین فیزیک و متافیزیک را از طریق آشتی مکانیسم های آنها میتوان محاسبه نمود، به شکل 1و2 زیر توجه شود و برای سازوکارهای این اکوسیستم مشارکت کننده و آشتی مکانیسم های مطروحه به خلق سخت افزارها ونرم افزار های ضروری آنها پرداخته میشود :

Figure 10

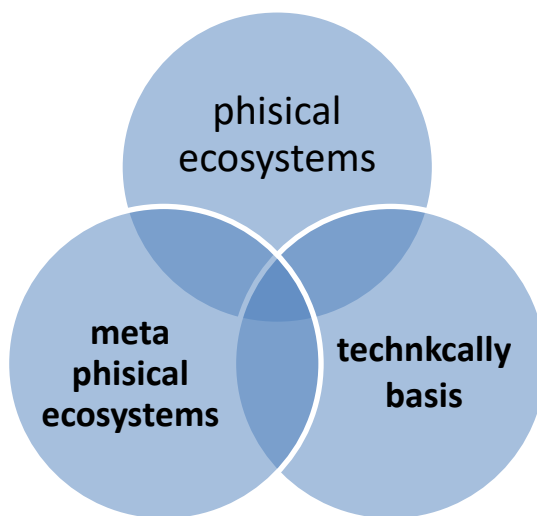
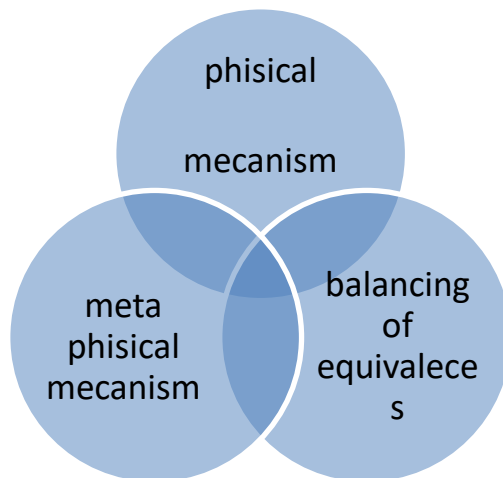


Figure 11



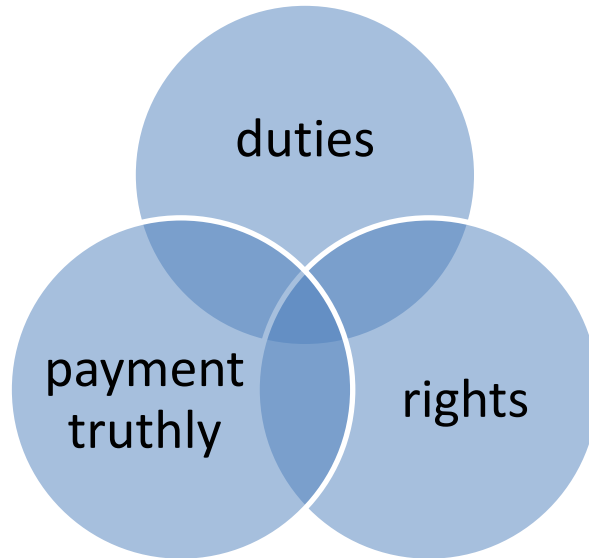
در این مرحله به قانون تکوینی و تشریحی " سلب و ایجاب" غیر ضرور و ضرورت ها ، حلال و حرام های فقه ای باید بپردازیم و احکام فلسفه اولی و حکمت متعالی و احکام شرعی از کتاب خانه های تحقیق به میداین فرضیه سازی ، راستی آزمائی ها ، شاخص ها ، مناط ها ، استانداردها و پروژه های یقینی به عینیت تبدیل میشود و از مراتب یقینیت علمی به عینیت یقینی و ایفای حقوق یقینی عامه سیر سلوک می نماید ، قبلاً روی هر یک از این مفاهیم ، مقالات رساله ها ، کتب و غیره چه از سوی این مبدع و چه دیگران تدوین و انتشار یافته است ، این آغاز کار متافیزیک در میداین عمل و راستی آزمائی آن در مراتب خبرگی و نخبگی است .

شگفتی های موجودات حیات مند ، انسان و حیوان و حتی نباتات ، از آوای انسان ، آوای وحش و صدای نفس نفس درختان ، آغاز متافیزیک بوده است ، خدای جهان هستی این چنین فهم شده است که با کلمه الله از آوای انسان خیزش کرده است ، سرّ اینکه قرآن کریم ، سراسر هستی را "کلمة الله" می داند ، آن است که هر موجودی از موجودات جهان آفرینش ، "آیت:" و نشانه حقّ است و "غیب" را نشان می دهد و نهران را آشکار می سازد . همه موجودات ، با زبان تکوینی خود سخن از خداوند و اسما و صفات عالی او می گویند . خدای سبحان در دنیا از طریق مخلوقاتش با بسیاری از انسان ها سخن می گوید که الاله گفتن انسان بوده که سراسر عالم ، صدای حقّ است و در همین تکوین به الله تبدیل شده ، گاد (God) برای نامیدن خدا فیزیکی و الله برای نامیدن خدا ، متافیزیکی است .

از لاهوت تا ناسوت و از جبروت تا ملکوت و از آسمان تا زمین ، هم فیزیک است و هم متافیزیک ، این دوموجودیت با هم و همراه هم هستند ، وقتی موضوع این همراهی به زمین و انسان محول شد ، فیزیک و متافیزیک از هم جدائی افکند ، زمین بهمان اندازه که توسط انسان خدائی و شیطانی به خدا پیوست و یا از خدا دور شد ، بهمان نسبت ، دوجوهر فیزیک متافیزیک ، استیناس خود را از دست دادند ، مقصر اصلی این جدائی ها ، همین انسان غفلت زده و عجول و مغرور است ، در عین حال ، صاحب کتاب و اقیانوس ، روح خدا و قابلیت تسخیر زمین و آسمان است ، و من و تو تعجب میکنیم که این انسان مقتدر ، چرا این قدر زبون و بدبخت است ، کارتن خوابی میکند ، اشغال خوری میکند ، جیب بری میکند ، تجاوز میکند ، و میلیون ها فساد و تبه کاری راه انداخته است ، تو میگوئی این انسان خیلی احمق است ، خداوند منان که این موجود عجیب و غریب را خلق کرده است ، برای او دو مرتبه علیین و سافلین در برترین مقام جهان هستی تا بدترین سطح حیوانی بل هم اضل قائل شده است ، این شاخصه های فراوان ، شاخص های مکانیسم عملکردی انسان را معلوم میکند ، و ما در قواعد مدیریت دانش مفید (UKRM) ، معتقد به موضوع انسان شناسی انسان برحسب نوع مسئولیت ، رهبری و مدیریت و تکلیفی که او باید ایفاء نماید ، هستیم .

پس ما معجون دیگری از مضمون متافیزیک فهم کردیم که در فیزیک به این پهنا و ژرفا نیست و آن قاعده " تکلیف ، حقوق ، صدق ایفاء" است شکل شماره 3 این تصویر را نشان میدهد :

Figure 12



در مورد قاعده فوق و مدل (UKRM) تاکنون معادل دو ترابات توسط این مبدع مطالعه شده و از آن حدود یک میلیون صفحه متن و محتوا و مضمون تهیه شده و 300 مقاله تهیه و منتشر شده و چندین رساله تنظیم و ارائه گردیده ، و حدود 10 کتاب بطور مباحث تفصیلی آنرا پشتیبانی نموده و صدها جدول و قواعد و غیره تنظیم شده است ، دست ما برای تهیه پالفرم این مجموعه مدیریت جهانی در آشتی فیزیک و متافیزیک و طراحی مکانیسم و اکوسیستم های آنها ، تا مقدار زیادی برای گام های اساسی باز شده است ، ما در کنار سخت افزار و نرم افزار های فیزیکی ، نیاز مند سخت افزار ها و نرم افزار های متافیزیک هستیم .

من به صراحت میگوئیم که سکولاریسمی در کار نیست ، مدیریت سیاست بازی نوع شیطنانی خیلی ایسم ها متداول کرده و مکانیسم فروپاشی آن در این مدل و رفع فساد های ناشی از رفتارهای شیطنانی آن در سراسر جهان برابر قواعد لازم بطور برهانی بیان شده است ، سعی انسان متافیزیک باید این باشد که شیطان را از خود براند و از فساد و تباهی پرهیز کند و به حقوق دیگران تجاوز نکند ؛ بدینسان انسان با تنظیم این مدیریت نوین به تمدن جدید و حکمرانی مطلوب جامعه انسانی و محیط زیست رهنمون سازد، ما در این قواعد که ساخت نرم افزارهای متافیزیکی را تسهیل میکند به جمع آوری لیست مولفه های فیزیکی و متافیزیکی مورد نیاز پرداخته ایم و حیطه وسیطره هر یک را تعیین کردیم که هر کدام با قوانین بنیادین خود در قلمروهای خود که همان اکوسیستم های تلقی میشود ، از قوه به فعل تبدیل شوند ، و بین خود ، به همگرایی و تولید ارزش افزوده ، ورشد و توسعه بهره وری منابع بپردازند ، تا در مسیر یقینی به صدق (truth) به صدق برسند ، تلاشی که امروزه آغاز شده است ، یقین شناسی و صدق شناسی (trueology) افعال انسان و در ماحصل محصولات و خدمات و تنظیم بازار متافیزیکی گردد.

رنالیسم (Realism) به تنهایی به صدق و یقین نمی رسد ، ایده آلیسم (Idealism) هم بدون خدا شناسی ، از تکوین فاصله داشته و موجب فحاشی انسان اقیانوسی میشود ، ما باید بین اعلی علیین و اسفل اسافلین یک

حد وسطی را دنبال کنیم که نماینده و نماد امت وسط باشد و انحراف از این معیار را در قانون و مقررات و اداره حکمرانی بگجانیم ، در این شیوه ها ، دانش تجربه شده فیزیک به اشتراک گذاشته میشود و اندک و اندک مشخص میشود که مکانیسم های اداره متافیزیک گونه قابل انجام است ، ما در یافتیم که قدرت فیزیکی عالم هستی در پرتو متافیزیک ، شکوفا تر شده و زود تر به منصفه ظهور میرسد ، اگر بخوانیم مثل بزنییم ، اصلاح طرح ترافیک شهرها که اینک خیابان ها به پارکینگ تبدیل کرده است ، به صواب است و استصواب در این مورد از استعدادهای فیزیکی و متافیزیکی لازم بوده و ترافیک جهانی را حل و فصل میکند ، آنچه ترافیک را قفل کرده است ، ماشین نیست ، زیاده خواهی انسان ، و رقابت سخت بین اتومبیل سازان دنیا است که مربوط به متافیزیک است و فیزیک در گیر اراده بخش زیاده خواهی انسان مربوط میشود ، در قضیه ویروس کرونا ما به نوعی از همیاری های جهانی آشنا شدیم ، این شیوه همیاری در کاهش فقر و توزیع عادلانه منابع ، نقش فوق العاده مهم و موثری را بازی میکند ، این گونه در حیطه متافیزیک می تواند ابزار مند شود ، ولی این مولفه های چندین هزارگانه متافیزیک است که آموزه ها و احکام خود را صادر و به مدیریت تبدیل خواهد کرد .

پول دار بودن در فلسفه فیزیک ، یک پرستیژ است در فلسفه متافیزیک ، یک ظلم و بی عدالتی محسوب میشود ، چنین حکم هائی را فزیولوژیست ها در کتاب فیزیک ندارند ، ولی طرفداران متافیزیک ، دارای هرمنوتیک متقنی در این حیطه هستند ، با قدرت بیان میکنند ، با قدرت عمل میکنند ، سخت افزار و نرم افزار های آن را هم تهیه میکنند ، امور تخصصی حوزه فیزیک با متافیزیک کاملاً متمایز است ، فیزیسیین (Physician) که نوعی پزشکی فیزیکی را از اعضای بدن و جراحی القاء میکند ، در واقع افول یک حکیم از طب وحدت گونه است ، پزشکی حاضر ساختمان انسان به قطعه قطعه کرده و بر حسب دستور العمل های فیزیکی بوجود آورده است ، ما در متافیزیک ، به دنبال حکیم می گردیم که انسان ناشناخته را فقط در جسمیت آن خلاصه و پاره پاره نمی کند، قوانین هستی آن موقع شناخته میشود که با قوانین بنیادین هستی ارزیابی و به احکام مدیریتی تبدیل شود ، این موضوع به طب هم مربوط است ، انسان یک اقیانوس است ، در اینچنین فهمی گسترده ، که سیمرخ طلبی را اراده میکند ، خیلی قوا را در اقتدار خود مقوم میسازد ، انسان های متاله ای که با وحوش ، نباتات و خارق العادات دم خور و موانست دارند از دانشگاه فیزیک فارغ التحصیل نشده اند ، ما به دانشگاه های متافیزیکی که قادر به احکام مدیریتی با تمام ابزار های ضروری باشد نیاز داریم ، از نصحیت گوئی و نصیحت شنودی هم خرسند نیستیم.

کثرت و وحدت در فیزیک یک جوک است یک بازی است بقول کارترایت (Nancy Cartwright) بمثابه یک لحاف چهل تیکه است ، فیزیک ما را به وحدت نمی رساند ، من خوشحال هستم در روی این زمین انسان هائی که دارند در متافیزیک رشد و توسعه می یابند ، نوید بزرگی برای آینده است ، من در کتاب پنجم خود به فطرت جهانی اشاره کردم که ملل جهان را بهم متصل میکند و وحدت متافیزیکی است و یکی از محتوای درک اقیانوسی انسان ها را به عینیت میکشاند ، قلب های تاریک در روشنائی خورشید هم تاریک است ، چون جاذب مهربانی و فوتون های قلب های نورانی نیست برای قلب های نورانی ، شب و روز ندارد ، همواره روشن و با بصیرت است ، صاحبان این قلوب اهل صدق هستند

و همان هایی هستند که از فساد دوری میکنند و به مردم خیانت نمی کنند ، این حالات شهودی هستند و در حیطه فیزیک وجود ندارد، برای اینکه شهود کشفی از باطن انسان است نه لامسه حسی انسان ، گوش انسان آواز مرغان را می شنود ولی درکی از آن ندارد چون که با هیچ مرغی وارد گفت و شنود نشده است ، در متافیزیک نیازی به توانش ICT نیست ، این توانش در انسان اقیانوسی وجود دارد.

ظرفیت های متافیزیک برای ساماندهی جهان امروز یک ضرورت حتمی است ، استفاده از منابع و ظرفیت های فیزیکی هم نیاز مشارکت مدیران لایق ، انسان های شایسته و معتقد و با طیف های بی شمار در اقیانوس وجود آنها است با این سرمایه باید در پروژه های یقینی ، سرمایه گذاری کرد و گرنه سرمایه فیزیکی هم در حال نابود شدن است ، صلح و امنیت جهانی با ظرفیت های فیزیکی تامین نمیشود ، امنیت از احکام بنیادین در متافیزیک هستی جهان است ، قوانین حقیقی و الهی ثابت هستند مثل وحدت ، زوجیت ، تالیف قلوب ، فطرت ، وجدان ، جاذبه و هزاران قانون دیگر ، که با قوانین فیزیکی تطابق ندارند ، قوانین فیزیکی مثل ترمودینامیک ، الکترو دینامیک ، سیستماتیک ، دینامیک و غیره سهمی غالبی در تمدن انسانی ندارند ، ربا خواری ، زیاده خواهی ، رقابت ، چپاول گری و هزاران فساد دیگر با کمک قوانین فیزیکی ممکن شده است ، قوانین فیزیکی قدرت بازدارنگی از فساد گسترده جهانی را ندارد ، ولی متافیزیک اصالتاً خود بازدارنده (Inhibitor) است ،

تراز بندی مولفه های فیزیکی و متافیزیک

در این مورد بحث های عالی بدرد خوری یافت نمیشود و این در حالی که برای این تالیف ، ما باید از قوانین علیت در کشف و ابداع سخت افزارها و نرم افزار های متافیزیکی بهره مند شویم ، هنوز نشانه های عملی آشتی فیزیک و متافیزیک آشکار نشده و آنچه نویدبخش امروز ما است ، مربوط به بحث های نظری است که برای ساختن فرضیه ها و آزمون آنها و پرداختن به تولید سخت افزار و نرم افزار ، لازم و کافی به نظر نمی رسد ، افق دور دست و نورهای تابش گر از آن افق ها و بخصوص بارقه های امیدی که اینک در قلوب ملت ها جریان یافته است ، من رابر آن داشته است که آغازی برای بروز تمدن و حکمرانی مولفه های طیفی متافیزیکی فراهم شده است ، تراز بندی این مولفه ها از آنجا باید شروع میشود که پرچم دارای باید بپا خیزد ، گفتگو ، نصیحت گوئی ، نقد ها و پاسخ ها ، برای خبر رسانی خوبست ، ولی استعداد نظریه پردازی و عملکردی را ندارد ، کاری است فیلسوفانه ، حکمت گرایانه ، باز شناسی انسان از نقطه نظر کتاب وجودی و فلسفه وجودی و اقیانوسی است که با خود همراه کرده است ، البته ظرفیتی خفته که بیک بیدار باش اسرافیلی نیاز دارد ، تعارضات بین علوم باید شناسائی شده ، زدوده شده و تمیز کاری شود ، از سیطره فیزیک کاسته شده و بخشی از منابع حسب مورد ضرورت برای ایفای نقش پر اثر و حقیقی متافیزیک صرف شود ، مراتب دروس های برهانی و منطقی آن وارد درس هاس دانشگاهی شود ، به علوم حسی اجازه دخالت در علوم ماوراء الطبیعه در شناخت انسان الهی داده نشود و قلمروی های علوم مرز بندی و ساحت قدسی علوم الهی و انسان متاله صیانت گردد.

The balance of physically and metaphysically Component

دکترینال و راهبردی های اساسی آن مشخص شود ، جایگاه رفیع آن از لحاظ تصمیم گیری تعیین گردد، در این سیروریت نفسانی و انفسی انسان که برای بهره گیری از علم النفس خود بپا خاسته نص گرائی در امر فقا هت ، قدرت بگیرد و آن قسمت که در تاریخ تا امروز دچار ناکامی بوده مورد تنقیح قرار گیرد و منظور اساسی و ریشه ای خود را از نص بیان کرده و مراد آینده جهان در این رابطه به فرضیه ای قابل آزمون در آورد ، با اشکار شدن نص و حیانی موضوع حیات طیبه با ضرایب فنی، شاخص ها و مناط های فنی که قابلیت استاندارد های معنوی را دارد ، روشن و شفاف بیان شود ، جایگاه اهالی کلام و نصوص مشخص شده و قدرت تصمیم گیری های بنیادین در طرح تمدن آینده و حکمرانی آن به آنان داده شود ، مضامین تفسیری و تاویلی مشخص شده و از گونه گونه بودن تفسیر جلوگیری و نحوه تائید و صدق در تمام مراحل نظر و عمل ، قانون مند گردد، بین قانون و نص نباید اختلافی باشد و در این مورد از ظرفیت های خبرگان میان رشته ای و طرفداران قوانین ثابت الهی و دانش معرفتی پذیرای نقد و نظر باشند ، **این دستگاه هدایت برای زمینه سازی حکمرانی آینده و مرکز صدور احکام و راهنمای تمدن آینده لازم است .**

The doctrinal and essential strategies should be defined, its high position should be determined in terms of decision making, in this carnal and psychic servitude of man that to use one's self-knowledge, textualism in the matter of jurisprudence will gain power and the part that has failed in history until today should be clear and its basic meaning is expressed in the text and the future of the world in this regard led to a testable hypothesis, by clear expressed in the text the subject of pure living with technical coefficients be clear and transparent by basic indices and standards , The position of the people of theology and texts has been determined and giving them the power for decision making in the plan of the future civilization and its rules, the Interpretive and interpretive themes identified and be Prevented from any Interpretive false and should be used from all capacities Interdisciplinary experts and Proponents of fixed divine law and epistemological knowledge are receptive to criticism and opinion, **this guiding device to pave the way for future governance and the Judgment Center and the guidance of the future civilization is necessary.**

علم کلام یا همان عقاید در مورد دین یا اعتقاد و جهان بینی دینی و شرعی بر مبنای عقل متعالی و نقل موثق و معرفت گستر باشد ، وقتی از علم کلام سخن بمیان می آید ، تقلید ضعیف میشود و باب برهان و استصواب توسعه می یابد ، خداوند متعال از درون حقیقت طلب انسان شاخته شده حدوث و قدّم جهان هستی با براهین علوم متافیزیک بیان و نبوت خاصه و عامه ، انسان الهی را از امانت و معاد و از صدر و ذیل جهان هستی آگاه میکند ، تا متالیهین افزون شوند و حکیمان امور را در دست گیرند و هر مونیکی وحی زبان رایج مردم

شود ، و ذکر خدا مایه تطمئن القلوب گرد ، برکات الهی افزون شود و خدای متعال از گنج نهران به قلوب انسان ها اسرار مایه دیدار حق تعالی شود و روح انسان ؛ جسم را بالنده کند ، مواظبت ها و مراقبه توسط خود مردم حق شناس خودکار شود ، شیطان با دیدن لشکر صالحان ، به شکست خود اذعان کند ، عقول معرفتی رشد و توسعه یابد ، و پس از آن به صدور الگو مباردت شود ، بدون این شارح قدسی و شارحان صادق آن ، الگویی برای صادرات وجود ندارد .

The speech science or the same belief in religiousness and Religious and religious worldview should be based on the transcendent intellect, reliable narration and extensive knowledge, when it comes to speech science, imitation weakens and proof and approval is developed, Allah Almighty is made from the truth-seeking man and the oldness and cosmos with the proofs of metaphysical sciences, special and public expression and prophecy, the divine man informs of the trust and resurrection from the top and bottom of the universe for the metaphysics to increase and for the sages to take matters into their own hands and inspirational hermeneutics becomes current for the people and mentioning Allah is the source of reassurance of hearts, may the divine blessings increase and Almighty Allah from the hidden treasure to the hearts of human beings is the secrets of meeting the Almighty, and spirit of human raise the body, caring and care should be automated by the honest people themselves and the devil to acknowledge his defeat by seeing the army of the righteous, epistemic intellects to grow and develop and then to issue a template, without this holy commentator and his honest commentator, There is no pattern for exports.

نقش دانش مفید در الگوسازی که همان گردآوری مفیدیت های جهانی وجداسازی ادبیات مفیدیت از ادبیات لاضرر و لاضرار و هرگونه پستی و فساد ، **به عنوان یک دانشنامه ضرورت تام دارد** که محقق در جستجوگری ، محقق ثری از ثریا ، عالی و اسفل و صواب از خطا را در اختیار داشته باشد و با ذهن وزعم خود در علم کلام خود مختاری نکند و از تششت آراء کاسته شود و هکذا ، چنین متافیزیکی می تواند ما را از تاریکی که ما را فرا گرفته است نجات داده و راه راست و روشن را در جلوی گام های استوارما قرار دهد و **برکات الهی برای اهالی زمین سرازیر کند و نعمات الهی افزون سازد و فقر را خاتمه دهد و شیرینی حیات طیبه را در زبان و کام برساند و زمینه ساز ظهور و بروز وعده های الهی باشد** ، انشاء الله .

The role of useful knowledge in modeling, which is the same as global usefulnesses collecting and separating the usefulness literature from the harmless and harmless literature and any lowness and corruption, **it is absolutely necessary as an encyclopedia** that any researcher to have in search, researcher Soraya from

Soraya, excellent, lowness and correct from error, and does not declare independence with his mind and conviction in theology, and Reduce vote rigging and so on, such a metaphysics can save us from the darkness that surrounds us and Put the right and clear way front our firm steps and **may the divine blessings flow to the people of the earth , Divine blessings increase , end Poverty , to convey sweetness of pure living in our language and mouth and be prepare the way for appearance Divine Promises**, Allah willing.